



در جستجوی جایگزینی برای

دلار

ارزها را به کار گیرند و این عمیق‌ترین تغییر مالی است که تا کنون در تاریخ خاورمیانه اتفاق افتاده است. این سبد شامل یورو، ژاپن، یونان، چین، یورو، طلا، و ارز جدید واحد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس خواهد بود. این روزنامه نوشت جلسات سری بین وزیران دارایی و مدیران بانک‌های مرکزی در روسیه، چین، ژاپن و برزیل در این رابطه تشکیل شده و مفهومی این است که استفاده از دلار در معاملات نفتی دوامی نخواهد داشت. نویسنده افزوده است که وجود این برنامه‌ها توسط منابع بانکی در کشورهای عربی خلیج فارس و منابع بانکی چینی در هنگ کنگ تأیید شده است و همین برنامه‌ها ممکن است موجب افزایش شدید قیمت طلا شده باشد.

در ادامه آمده است آمریکایی‌ها از این ملاقات‌ها اطلاع داشته‌اند اما از جزئیات آن بی‌خبر بوده‌اند و قصد دارند با این توطئه بین‌المللی که متحدان همیشگی آمریکا مانند ژاپن و کشورهای عرب نیز در آن شرکت داشته‌اند، مقابله کنند.

روزنامه ایندیپندنت در روز ۶ اکتبر مقاله‌ای را تحت عنوان «مرگ دلار» منتشر کرد که تعجب همگان را برانگیخت و بیش از همه توجه محافل نفتی را به خود جلب کرد. در این مقاله آمده بود: کشورهای عرب خلیج فارس قصد دارند به همراه چین، روسیه، ژاپن و فرانسه به استفاده از دلار در معاملات نفت پایان دهند و به جای آن سبدهای

بهروز بیگ علیزاده

تحلیلگر ارشد بازار نفت - وزارت نفت - balizadeh@nioc.org

دبیرکل اوپک اعلام کرد در جریان هیچ حرکتی که حاکی از تغییر دلار با ارز دیگری در معاملات باشد قرار ندارد اما معتقد است ضعف ارزش دلار ممکن است مورد توجه هر کدام از اعضای اوپک باشد اما سازمان در این زمینه سیاستی را در دست ندارد. او گفت جدا شدن از دلار در معاملات نفت و استفاده از یورو که تنها جایگزین مطرح می‌باشد، یک موضوع بلندمدت است و استفاده از دلار به جای پوند استرلینگ نیز چندین دهه طول کشید. وزیر نفت قطر نیز اعلام کرد مذاکرات مداومی درباره این که آیا باید همچنان از دلار استفاده کرد و یا به دنبال سبدی از ارزها برای جایگزینی آن بود، انجام شده است و همچنان ادامه دارد. مدیر عامل آژانس پولی عربستان در اول نوامبر بدون تکذیب این مذاکرات سری، گفت دلار بیش از هر ارز دیگری در قیمت‌گذاری انواع صادرات و واردات و به ویژه در مورد کالاها به کار می‌رود و این نه تنها در خلیج فارس بلکه توسط اروپایی‌ها نیز استفاده می‌شود، اما موضوع اصلی این است که قیمت‌گذاری براساس دلار ضرورتاً به این معنی نیست که بهای کالای فروخته شده را نیز به باید به دلار تحویل گرفت و یا این که سرمایه‌گذاری‌ها نیز باید به دلار باشد و نباید این سه نقش را برای هر ارزی با یکدیگر خلط کرد، حال این ارز دلار باشد یا یورو و یا ین. رییس‌جمهور اکوادور (که در ۲۰۰۸ به اوپک پیوسته است) از به کارگیری یورو و یا سبدی از ارزها در قیمت‌گذاری نفت اعلام حمایت کرد.

این اظهارات از تمایل برخی از تولیدکنندگان نفت به گفتگو از تغییر دلار در معاملات نفتی حکایت دارد به گونه‌ای که به نظر می‌رسد دامنه کشورهای که چنین تغییری را جستجو می‌کنند از کشورهای عرب تولیدکننده نفت فراتر رفته است. اما اقدام کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به همراه چین، روسیه، ژاپن و برزیل موضوعی است که به بحث بیشتری نیاز دارد و در واقع گزارش ایندپندنت از ابعاد مختلفی قابل بررسی و تحلیل است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

۱- بدون قضاوت درباره این که آیا واقعاً چنین نشست‌های سری صورت گرفته است یا خیر و این که آیا آن‌ها واقعاً چنین اهدافی را در ذهن دارند، می‌توان به خوبی این نکته را دریافت که کشورهای عرب صادرکننده نفت خلیج فارس از کاهش ارزش دلار ناخشنودند. کشورهای امارات، عربستان، کویت و قطر در مجموع

به دنبال انتشار این گزارش کشورهایایی که از آن‌ها نام برده شده بود این نشست‌ها را تکذیب کردند. معاون وزیر دارائی روسیه اعلام کرد این کشور موضوع تغییر نقش دلار در معاملات نفتی را مورد بحث قرار نداده است. وزیر دارائی فرانسه گفت موضوع تغییر دلار در معاملات نفتی بیشتر برای بورس بازی است و ما علاقه‌ای به این کار نداریم. وزیر نفت کویت نیز گفت: مذاکره‌ای درباره جایگزینی ارز دیگری به جای دلار در بین کشورهای عرب صادرکننده نفت انجام نشده و تأکید کرد که حتی این موضوع را به خواب خود هم ندیده است. وزیر نفت الجزایر اعلام کرد اوپک قصد ندارد ارز دیگری را جایگزین دلار کند. البته او گفت دلار در معاملات کالا به کار می‌رود و به عنوان ذخیره ارزی بلندمدت نیز استفاده می‌شود، ولی به تدریج مانند پوند که زمانی در معاملات و ذخایر ارزی به کار گرفته می‌شد، جای خود را به سایر ارزها مانند ین، یورو و یا یوان و مانند آن خواهد داد. وزیر دارائی الجزایر نیز اعلام کرد که نیازی به جایگزینی ارز دیگری به جای دلار در معاملات نفتی نیست اما به هر حال تمام گزینه‌ها در کنفرانس IMF بحث خواهد شد. رییس بانک مرکزی عمان گفت: کشورهای عرب صادرکننده نفت موضوع جایگزینی سبدی از ارزها به جای دلار را مطرح نکرده‌اند و همچنان از دلار استفاده می‌کنند. یک منبع اوپکی بدون ذکر نام اعلام کرد هیچ برنامه‌ای از سوی تولیدکنندگان برای جایگزینی دلار مطرح نشده است.

در این میان وزیر اقتصاد ایران اعلام کرد که ایران از کنار گذاشتن دلار در معاملات نفت منتفع شده و با سایر تولیدکنندگان نیز در این باره گفتگو کرده است. مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران نیز در سیزدهم اکتبر اعلام کرد که فروش نفت خام ایران اغلب به ارزهایی به غیر از دلار و عمدتاً به یورو صورت می‌گیرد.

به هر حال با گذشت تقریباً دو هفته از انتشار گزارش ایندپندنت، برخی از مقامات اوپکی سخنان معتدل‌تری را ایراد کردند که نشان می‌داد که نسبت به جایگزینی ارزهای دیگر به جای دلار بی‌تمایل نیستند. به ویژه این که ارزش دلار نیز کاهش یافت و به کمترین سطح خود در ۱۴ سال گذشته تنزل نمود و ضعف ارزش دلار تردیدها درباره استفاده از این ارز در مبادلات نفتی را تقویت کرد.

اظهارات مقامات اوپک گرچه از صراحت برخوردار نبود اما نشان می‌داد که از این وضعیت راضی نیستند.

مرکزی کشورهای عرب از ابزار پولی برای کنترل تورم در کشورشان محروم گردند. بنابراین تردیدی نیست که آن‌ها از تداوم وضعیت فعلی سلطه دلار خشنود نباشند.

۳- فروش نفت در مقابل دریافت ارزی به غیر از دلار از پیچیدگی چندانی برخوردار نیست. در حال حاضر قیمت‌گذاری نفت در بازار بین‌المللی براساس دلار انجام می‌شود. کشوری که نفت خام صادر می‌کند می‌تواند از خریدار نفت خود بخواهد که بهای نفتی را که خریداری کرده است به ارزی به غیر از دلار پرداخت کند. در این صورت تنها هزینه تبدیل ارز



۲/۱ تریلیون دلار ذخایر ارزی دلاری دارند. کاهش ارزش دلار به معنی کاهش ارزش دارایی‌های آن‌ها است. دولت آمریکا نیز معمولاً تمایل دارد برای تشویق صادرات خود به خارج از مرزهایش ارزش دلار را پایین نگاه دارد و این موضوع کشورهای صادرکننده نفت دارای ذخایر ارزی دلاری را نگران ساخته است و لذا طبیعی است که تلاش کنند تا درآمدهای نفتی خود را به ارزی غیر از دلار کسب کرده و ذخائر خود را به ارزهایی غیر از دلار نگهداری کنند. دولت آمریکا برای مقابله با رکود، پیوسته نرخ بهره را کاهش داده است و به نظر نیز

به محاسبات اضافه خواهد شد که براساس توافق بین فروشنده و یا خریدار نفت، ممکن است یکی از طرفین این هزینه را برعهده گیرد. در چند سال اخیر ایران و ونزوئلا به تدریج به این امر اقدام و بهای نفت خود را به ارزی غیر از دلار دریافت کرده‌اند. مقامات ایرانی در اواخر سال ۲۰۰۷ اعلام کردند که ایران تا ۹۰ درصد از بهای نفت صادراتی خود را به ارزهایی به غیر از دلار دریافت می‌کند. این اقدام در جایی که صادرکننده نفت بخواهد درآمد ارزی خود را صرف واردات از مناطق غیر دلاری کند کاملاً اقتصادی خواهد بود. زیرا در سال‌های اخیر ارزش دلار در مقابل سایر ارزها و به ویژه یورو در حال کاهش بوده است. از آنجایی که کشورمان با آمریکا مبادلات چندانی ندارد و واردات خود را از مناطق غیردلاری انجام می‌دهد دریافت ارزهای دیگر به جای دلار به نفع کشور بوده است. بدیهی است که مناقشات بین آمریکا با ایران و ونزوئلا زمینه سیاسی را در تصمیم‌گیری برای دریافت بهای نفت صادراتی به ارزی به غیر از دلار تسهیل کرده است. حتی در اجلاس سران اوپک در سال ۲۰۰۷ رییس‌جمهور ایران پیشنهاد کرد که در قیمت‌گذاری نفت از سبدهی از ارزها به جای دلار استفاده شود اما این پیشنهاد فقط با حمایت ونزوئلا همراه شد. البته

نمی‌رسد که قصد داشته باشد در چند سال آینده در این وضعیت تغییری ایجاد کند. کاهش نرخ بهره به معنی کاهش ارزش دلار است. بنابراین کشورهای صادرکننده نفت برای حفظ قدرت خرید خود می‌بایست نیازهای وارداتی خود را از آمریکا تأمین کنند که به معنی وابستگی بیشتر به این کشور خواهد بود. در حالی که کشورهای عرب منطقه بعد از حوادث یازده سپتامبر، شاهد تهدیدهای سیاسی - اقتصادی شدیدی از سوی آمریکا بوده‌اند و این تجربه برای آن‌ها کافی است که در روابط خود با آمریکا محتاط‌تر از گذشته باشند. به ویژه این که سلفی‌گری در کشورهای عربی رو به گسترش است و رژیم‌های حاکم بر این کشورها تحت فشار قرار دارند تا در رفتار خود با آمریکا تجدیدنظر کنند.

۲- کشورهای عرب یاد شده پول ملی خود را به دلار مرتبط کرده‌اند. در بین آن‌ها فقط کویت پول ملی خود را به سبدهی از ارزها گره زده است که البته در بین آن‌ها دلار نیز وجود دارد. به این ترتیب به دلیل پایین بودن نرخ بهره در آمریکا کشورهای عرب خلیج فارس نیز ناچارند نرخ بهره خود را در سطح پایینی نگهدارند تا از آریترائز ارزها جلوگیری کنند. این موضوع باعث شده است که بانک‌های

تبدیل نمود تا از نوسان ارزش دلار متضرر نگردد. از سوی دیگر تلاش این کشور برای دستیابی به منابع جدید نفتی او را به رقیبی برای آمریکا تبدیل کرده است. چین برای تداوم رشد اقتصادی خود که چندان نیز از لحاظ مصرف انرژی کارآمد نمی‌باشد، در آینده به نفت نیاز خواهد داشت و بنابراین به دنبال نفوذ بیشتر در خاورمیانه است. چین ۶۰ درصد از نفت مورد نیاز خود را (عمدتاً از روسیه و خاورمیانه) وارد می‌کند. بنابراین به کارگیری یوان پول ملی چین در سبدهای مبادلات نفتی به کار رود باعث تحکیم بیشتر جایگاه این کشور در بین تولیدکنندگان نفت به ویژه در خاورمیانه خواهد شد.

۵- نیاز آینده چین به نفت، باعث شده این کشور در مناطق نفت‌خیز به سرمایه‌گذاری بپردازد. چین قراردادهای متعدد نفتی را با ونزوئلا امضا کرده است. با عراق نیز قرارداد تولید نفت امضا کرده که تاکنون توسط آمریکا بلوکه شده است. با ایران نیز قراردادهایی را برای توسعه پالایش و تولید گاز به امضا رسانده است و با سودان نیز دارای قراردادهای نفتی بوده و در لیبی نیز به مذاکرات نفتی مشغول است. تمایل چین برای حضور در کشورهای یاد شده که همگی به نوعی دارای رابطه غیردوستانه با آمریکا هستند، نوعی تقابل با سیاست‌های آمریکا محسوب می‌گردد. بدیهی است که علایق گسترده‌تر مالی چین با تولیدکنندگان نفت، می‌تواند منافع بلندمدت چین را تأمین نماید و نفوذ و سیطره بیشتر آمریکا بر کشورهای نفت‌خیز به ویژه در خاورمیانه را محدودتر کند.

۶- صادرات چین که طیف متنوعی از تسلیحات نظامی گرفته تا لوازم لوکس را شامل می‌شود به اندکی کمتر از ده درصد از واردات هرکدام از کشورهای منطقه بالغ می‌گردد. در حال حاضر چین از سوی بانک مرکزی اروپا تحت فشار

چنین اقدامی موجب ناخشنودی دولت آمریکا می‌شود زیرا باعث تضعیف نقش دلار در مبادلات بین‌المللی می‌گردد. در این راستا بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند موضوع تهاجم آمریکا و انگلیس به عراق تنها زمانی قطعیت یافت که عراق تصمیم گرفت بهای نفت صادراتی خود را به ارزی به غیر از دلار دریافت کند. حتی پس از حمله آمریکا به عراق و اشغال نظامی این کشور در سال ۲۰۰۳، این نظریه مطرح گردید که دلیل اصلی حمله، نه مبارزه با تروریسم جهانی و نه جلوگیری از دستیابی عراق به سلاح‌های هسته‌ای، بلکه حفظ سلطه دلار بر اقتصاد جهان بود که با موفقیت یورو و تصمیم صدام حسین مبنی بر فروش نفت عراق به یورو به خطر افتاده بود. از این منظر، اقدام نظامی آمریکا نه تنها فروش نفت عراق را به عرصه دلار بازگرداند بلکه به سایر کشورهای عضو اوپک نیز نشان داد که آمریکا قیمت‌گذاری و فروش نفت را به ارزی جز دلار نخواهد پذیرفت. به هر حال کشورهای عرب خلیج فارس به لحاظ وابستگی سیاسی و اقتصادی شدیدشان به آمریکا قصد ندارند خشم مقامات این کشور را برانگیزند. بنابراین ممکن است در اجرای هدف جدا شدن از دلار به حمایت

سیاسی کشورهایی مانند چین، روسیه، فرانسه و ژاپن روی آورده باشند. بدیهی است که تصمیم برای تغییر ذخیره ۲/۱ تریلیون دلاری به ارزی مانند یورو ضربه شدیدی به اقتصاد آمریکا وارد خواهد کرد و اعتراض آمریکایی‌ها را برخواهد انگیزد.

۴- بنا به نوشته ایندپندنت، از ۷/۲ تریلیون دلار ذخیره بین‌المللی جهان، ۲/۱ تریلیون آن به صورت دلاری در اختیار کشورهای عرب و ۲/۳ تریلیون دلار در اختیار چین است و لذا چین نیز نگران ذخائر دلاری خود است. چین در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ بخش قابل توجهی از ذخیره ارزی خود را به یورو



خلیج فارس کشورهای عربستان، کویت، امارات، قطر، عضو اوپک می‌باشند و حدود ۱۳/۴ میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کنند که معادل ۴۶ درصد از مجموع تولید اوپک است. عمان نیز به تنهایی در سه ماهه سوم سال ۲۰۰۹ به میزان ۷۵۰ هزار بشکه در روز نفت خام تولید کرده است این حجم بالای تولید نفت می‌تواند این امکان را به آن‌ها بدهد که با بکارگیری پول واحد خود در مبادلات نفتی ارزش و اعتبار آن را در سطح بین‌المللی تقویت کنند.

۸- اتحادیه اروپا نیز تمایل دارد که نقش دلار در



معاملات نفتی کاهش یابد. موقعیت انحصاری دلار در بازار نفت همچنین هزینه سنگینی را بر کشورهای عضو اتحادیه اروپا تحمیل می‌کند. کشورهای واردکننده نفت در اتحادیه اروپا می‌بایست برای خرید نفت، ارز خود را به دلار تبدیل کنند. این امر نه تنها چند درصد هزینه و کارمزد تبدیل ارز را بر آن‌ها تحمیل می‌کند بلکه موجب می‌شود تا بیلان واردات نفت آن‌ها علاوه بر نوسانات بازار نفت دستخوش نوسانات بازار ارز نیز بشود. به همین دلیل است که بیلان واردات نفت اروپا نسبت به آمریکا دارای نوسانات و بی‌ثباتی بیشتری است. کشورهای اروپایی خواهان آنند که بخشی از نقش ارز ذخیره جهان، به یورو واگذار شود تا این کشورها نیز بتوانند از مزایا و تسهیلاتی که این نقش برای توسعه اقتصادی فراهم می‌آورد بهره‌مند شوند. کشورهای اتحادیه اروپا برای پیشبرد این امر مایل هستند که قیمت‌گذاری و فروش بخشی از صادرات نفت جهان به یورو انجام پذیرد. کاهش هزینه‌های ناشی از تبدیل ارز و نوسانات بازار ارز، یکی از دلایل اساسی این خواست اتحادیه اروپا است. در این ارتباط هرچند تاریخ برگزاری مذاکرات سری که ایندیندنت درباره آن نوشته است به طور دقیق قید نشده اما شاید بتوان حضور فرانسه در این

است تا ارزش یوان را افزایش دهد. تا به این ترتیب آمریکا بتواند تراز مالی خود را بهبود بخشد و فشارها بر یورو نیز کاهش یابد. افزایش ارزش یوان به معنی کاهش صادرات و افزایش واردات خواهد بود. در حالی که مسیر توسعه چین در چارچوب افزایش صادرات ترسیم شده است و این کشور به هیچ روی تمایل ندارد سیاستی را به کار گیرد که صادراتش را محدود کند. در حال حاضر سه چهارم از کسری تراز تجاری آمریکا تنها در مقابل چین است و در بقیه آن نیز کشورهای عضو اوپک سهم عمده‌ای دارند. بنابراین ملاحظه می‌شود که منافع

چین نیز در تغییر ارز مبادلاتی از دلار به سبلی از ارزها که یوان نیز در زمره آن‌ها قرار داشته باشد، بیشتر تأمین می‌گردد. زیرا باعث خواهد شد با افزایش اندوخته یوان در کشورهای تولیدکننده نفت زمینه افزایش واردات کالا و خدمات از کشور چین تقویت گردد.

۷- شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس قرار است تا سال ۲۰۱۰ ارز واحد خود را به کار گیرند اما امارات و عمان از امضای این توافق‌نامه سرباز زده‌اند. امارات با تعیین محل بانک مرکزی در ریاض مخالف است و عمان نیز اعلام کرده است فاقد شرایط لازم برای پیوستن به این توافق است. در ابتدا پیش‌بینی می‌شود که این ارز واحد به دلار مرتبط گردد و در مراحل بعدی این ارتباط قطع گردد و به طور مستقل عمل کند. با خروج امارات و عمان از این توافق به نظر می‌رسد اعلام تاریخ ژانویه ۲۰۱۰ برای انتشار پول واحد توسط چهار کشور، تا حدودی بلند پروازانه باشد اما در صورتی که رایه این پول واحد عملی گردد، بکارگیری آن در مبادلات نفتی می‌تواند در تقویت ارزش آن نقش مهمی داشته باشد. مقامات عربستان امیدوارند به زودی این دو کشور نیز با انتشار پول واحد موافقت کنند. در بین کشورهای عضو شورای همکاری

نموده است. صادرات بیشتر این کشورها غالباً به اتحادیه اروپا است و در نتیجه درآمد ارزی این کشورها عمدتاً به یورو می‌باشد. اما این کشورها می‌بایست برای خرید نفت، درآمد ارزی خود را به دلار تبدیل کنند و در صورتی که درآمد ارزی کافی نداشته باشند با قرض از صندوق بین‌المللی پول و سایر بانک‌های بین‌المللی دلار مورد نیاز خود را تأمین نمایند. این امر علاوه بر هزینه تبدیل ارز و بهره وام‌های دلاری، ریسک‌های بازار بین‌المللی ارز را نیز بر کشورهای توسعه نیافته و در حال رشد تحمیل می‌کند. با توجه به ضعف اقتصادی این کشورها، هزینه‌ای که سیستم دلارهای نفتی بر آنها تحمیل می‌کند بسیار سنگین است. برای این گروه از کشورها نیز انجام مبادلات نفتی به یورو مطلوب‌تر است. برزیل ۲/۵ میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کند. و قصد دارد تا سال ۲۰۱۰ تولید خود را به ۲/۷۵۰ میلیون و تا سال ۲۰۲۰ به ۵/۷ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. بنابراین برزیل برای ترسیم مسیر توسعه آینده خود نیاز به تثبیت درآمدهای نفتی خود دارد در حالی که اتکا به درآمدهای نفتی دلاری در ذات خود حامل بی‌ثباتی است. به این ترتیب حضور برزیل نیز در این مذاکرات سری کاملاً توجه‌پذیر است.

۱۰- روسیه که بزرگترین کشور صادرکننده نفت غیراوپک می‌باشد وضعیتی مشابه کشورهای عرب صادرکننده نفت دارد. یعنی ۷۵ درصد ذخائر ارزی آن را دلار تشکیل می‌دهد، روسیه در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ بخش قابل توجهی از ذخیره ارزی خود را به یورو تبدیل نمود. حتی دولت روسیه در سال ۲۰۰۳ ابراز تمایل نمود تا بخشی از نفت خود را به یورو بفروشد. و در سال ۲۰۰۳ مذاکراتی بین روسیه و اتحادیه اروپا در این خصوص انجام گرفت. این کشور در ماه اکتبر ۲۰۰۹ به امضای قرارداد عرضه گاز به چین مبادرت

مذاکرات را به ریاست دوره‌ای فرانسه بر اتحادیه (از ژوئیه تا پایان دسامبر ۲۰۰۸) نسبت داد. برخی از تحلیلگران معتقدند مشارکت استرالیا و بریتانیا در حمله آمریکا به عراق و مخالفت آلمان و فرانسه را نیز می‌بایست در موقعیت اقتصادی این کشورها و به ویژه رابطه ارز آنها نسبت به دلار جستجو کرد. استرالیا دارای ذخیره ارزی بزرگی به دلار است، مبادلات تجاری آن عمدتاً با آمریکا و به دلار می‌باشد و سقوط دلار آمریکا موجب تضعیف دلار استرالیا خواهد شد. بریتانیا هنوز به یورو نیوسته است و موفقیت آمریکا در حفظ قدرت دلار موضع بریتانیا را در برابر رقبای خود در اتحادیه اروپا به ویژه آلمان و فرانسه تقویت خواهد نمود و به بریتانیا اجازه خواهد داد تا در صورت لزوم در آینده‌ای دورتر و با کسب امتیازهای بیشتر به یورو بپیوندد. از سوی دیگر مخالفت شدید آلمان و فرانسه با حمله آمریکا به عراق به دلیل تمایل این کشورها به تقویت یورو در برابر دلار آمریکا و حفظ موقعیت برتر خود در عراق و خاورمیانه می‌باشد.

۹- نزدیک به ۷۰ درصد ذخائر ارزی بانک‌های مرکزی آسیا به دلار می‌باشند. این بانک‌ها دارای بزرگترین

ذخیره دلاری می‌باشند که بالغ بر ۱/۴ تریلیون دلار تخمین زده می‌شود. در صورتی که حجم عمده مبادلات تجاری آنها با اتحادیه اروپا است. ادامه تضعیف دلار کلیه این کشورها را ناچار خواهد ساخت تا بخش قابل توجهی از ذخایر دلار خود را به یورو و یا سایر ارزها تبدیل نمایند و برای آنها راحت‌تر است که بهای نفت خود را در آینده به یورو و یا سبدهای ارزهای با ثبات پرداخت کنند. به همین دلیل نیز ژاپن به عنوان سومین واردکننده بزرگ نفت در این مذاکرات حضور داشته است. مکانیزم پترودلار بر کشورهای در حال رشد و توسعه نیافته نیز هزینه سنگینی را تحمیل



و تولیدکنندگان خواهد بود زیرا بی‌ثباتی در قیمت‌های نفت کاهش خواهد یافت. تولیدکنندگان می‌توانند با اطمینان بیشتری برای درآمدهای نفتی خود برنامه‌ریزی کنند و از رفاه اقتصادی مناسب‌تری برخوردار شوند و از جمله تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت برای تولیدکنندگان راحت‌تر خواهد شد زیرا چشم‌انداز مطمئن‌تری درباره قیمت‌های نفت را در دست خواهند داشت و به این ترتیب امنیت عرضه که به نفع مصرف‌کنندگان است نیز تأمین خواهد گردید. علاوه بر آن مصرف‌کنندگان نیز



از نوسانات بی‌مورد قیمت نفت خلاصی خواهند یافت. در عین حال با توجه به بی‌ثباتی ارزش دلار، مصرف‌کنندگان ناچار نخواهند بود ذخایر عظیم ارزی دلاری را برای خرید نفت نگهداری کنند. البته نگهداری ارزهای دیگر از ریسک کمتری برخوردار خواهد بود.

۱۲- بدیهی است چنانچه یک ارز یا سبدهی از ارزها بتواند در معاملات نفتی جایگزین دلار شود، آمریکا بزرگترین بازنده خواهد بود. زیرا دلار نقش خود را به عنوان اصلی‌ترین ذخیره ارزی از دست خواهد داد. این نقش امتیاز اقتصادی بزرگی در اختیار آمریکا قرار داده است. از جمله این‌که آمریکا می‌تواند در سطح بین‌المللی قرض‌هایی را به صورت ارز ملی خود دریافت کند و بدهی‌های انبوه خارجی داشته باشد بدون این‌که دچار بحران تراز پرداخت گردد. باید توجه داشت که بانک‌های مرکزی جهان، ذخائر دلار خود را در صندوق نگاه نمی‌دارند، بلکه به منظور کسب درآمد و جلوگیری از ریسک‌های ناشی از نوسانات بازار ارز، بخش قابل توجهی از آنرا صرف سرمایه‌گذاری در آمریکا و به ویژه خرید اوراق قرضه و بهادار دولت آمریکا می‌کنند. شرایط فوق موجب پیدایش مازاد در حساب سرمایه‌ای تراز پرداخت‌های خارجی

کرد و قرار است در سه سال آینده مقادیر چشمگیری گاز طبیعی را به چین صادر کند. در این ارتباط نیز نخست‌وزیر روسیه اعلام کرد که روسیه با فروش انرژی در مقابل دریافت روبل به جای دلار مخالفتی ندارد. روسیه هم اکنون بیش از ۲۵ درصد گاز مورد نیاز کشورهای اروپایی را تأمین می‌کند. روسیه در حال حاضر توانسته است تولید نفت خود را به بیش از ۱۰ میلیون بشکه در روز برساند. بنابراین روسیه نیز می‌تواند در تعیین جایگزین جدیدی به جای دلار نقش اساسی ایفا کند و به همین دلیل در این مذاکرات شرکت کرده است.

علاوه بر آن، روسیه علاقمند است نفوذ ژئوپلیتیکی آمریکا در خاورمیانه و آسیای میانه را محدود کند و جلوگیری از سلطه دلار می‌تواند در محدود ساختن حضور نظامی آمریکا نیز تأثیرگذار باشد.

۱۱- در حال حاضر قیمت نفت و نرخ مبادله دلار رابطه تنگاتنگی دارند. این ایده رایج در بازار نفت وجود دارد که با افزایش ارزش دلار قیمت نفت کاهش می‌یابد زیرا مؤسسات مالی و بورس‌بازان سرمایه خود را از بازار بورس نفت خارج می‌کنند و به بازار بورس ارز می‌آورند و با کاهش ارزش دلار قیمت نفت افزایش می‌یابد زیرا این مؤسسات سرمایه‌های خود را به بازارهای بورس کالا و به ویژه نفت که براساس دلار تعیین قیمت شده‌اند منتقل می‌کنند چون می‌توانند با ارز غیردلاری خود که قوی‌تر شده است نفت و کالای بیشتری به دست آورند. این پدیده باعث شده است که بی‌ثباتی دلار نیز به قیمت‌های نفت راه پیدا کند. زیرا پیش‌بینی نوسانات ارزش دلار بورس‌بازان را به پیش‌بینی نوسانات قیمت نفت هدایت می‌کند و باعث می‌شود آن‌ها براساس آنچه پیش‌بینی کرده‌اند در موقعیت خرید و یا فروش قرارگیرند. حال هرچقدر رابطه نفت و دلار ضعیف‌تر گردد به نفع هر دو گروه مصرف‌کنندگان

خارجی وارد کرده است. این امر تنها به دلیل وجود سیستم دلارهای نفتی و نقش دلار به عنوان ارز ذخیره جهان میسر است. خرید دلار و اوراق قرضه آمریکا موجب پیدایش مازاد در حساب سرمایه‌ای تراز پرداخت‌های خارجی آمریکا می‌شود که کسری موجود در بخش حساب جاری تراز پرداخت‌های خارجی را خنثی می‌کند. این موقعیت همچنین موجب بالا رفتن عرضه سرمایه در اقتصاد آمریکا می‌شود و به آمریکا اجازه می‌دهد تا نرخ بهره خود را در سطح پایینی حفظ نماید و این موجب رونق اقتصاد و افزایش نرخ رشد اقتصادی در یک محیط غیر تورم‌زا می‌شود. همچنین، به دلیل وجود رابطه معکوس بین نرخ بهره و ارزش اوراق بهادار، نرخ بهره پایین، موجب افزایش ارزش اوراق بهادار آمریکا می‌گردد. از سوی دیگر، پایین بودن نرخ بهره به آمریکا اجازه می‌دهد تا سود کمی به کشورهای بی که اوراق بهادار را در اختیار دارند بپردازد.

نقش دلار به عنوان ارز بین‌المللی به تجار و سرمایه‌داران آمریکایی اجازه می‌دهد تا مبادلات بین‌المللی را به ارز بومی خود انجام دهند. این امر تجار و سرمایه‌داران آمریکایی را از هزینه‌های مربوط به تبدیل ارز و ریسک‌های بازار ارز مصون می‌سازد و آن‌ها را نسبت به تجار و سرمایه‌داران سایر کشورها در موقعیت برتری قرار می‌دهد. قیمت‌گذاری نفت به دلار موجب می‌شود که اقتصاد آمریکا به میزان کمتری در معرض ریسک نوسانات بازار ارز قرارگیرد، زیرا واردات نفت که بخش قابل توجهی از کل واردات آن را تشکیل می‌دهد به دلیل موقعیت انحصاری دلار از نوسانات ارزی مصون می‌باشد.

مجموعه عوامل فوق بودجه نظامی سنگین آمریکا را قابل تحمل می‌سازد و به آمریکا اجازه می‌دهد تا بدون محدودیت‌های مالی که سایر کشورها با آن مواجه

آمریکا می‌شود. این مازاد به آمریکا اجازه می‌دهد تا در بخش حساب جاری تراز پرداخت‌های خارجی خود، دارای کسری مشابهی باشد و بیش از ارزش صادرات خود کالا وارد کند. به عبارت دیگر، موقعیت دلار به عنوان ارز ذخیره جهان که بر پایه سیستم دلار نفتی استوار است به آمریکا اجازه می‌دهد تا بیشتر از ظرفیت تولیدی خود مصرف کند، هزینه سنگین ماشین نظامی خود را تأمین نماید و سلطه خود بر اقتصاد جهانی را حفظ کند. در شرایط عادی، هرگاه که یک کشور در بخش حساب جاری تراز پرداخت‌های خارجی خود دارای کسری باشد ناچار خواهد شد تا برای مقابله با آن نرخ بهره خود را افزایش دهد تا با جذب سرمایه خارجی به درون کشور و ایجاد مازاد در بخش حساب سرمایه‌ای، تراز پرداخت‌های خارجی و کسری بخش حساب‌های جاری را خنثی سازد. اما افزایش نرخ بهره موجب کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و پیدایش روندهای تورمی در اقتصاد می‌شود و غالباً محیط نامناسبی را برای رشد اقتصادی بوجود می‌آورد. نقش دلار به عنوان ارز ذخیره جهان به آمریکا اجازه می‌دهد تا خارج از این محدودیت‌ها عمل کند و برای مدتی طولانی، بیشتر از توان تولید خود مصرف کند و برای جلوگیری از رکود در داخل کشور نیز نرخ بهره را کاهش دهد.

در سال ۲۰۰۳ حساب جاری تراز پرداخت‌های خارجی آمریکا دارای ۵۰۰ میلیون دلار کسری بود. این کسری در ۲۰۰۴ به ۶۶۵/۹ میلیارد دلار افزایش یافت که برابر با ۶ درصد کل تولید ناخالص ملی آمریکا بود. در مجموع، حجم کل کسری تراز پرداخت‌های خارجی آمریکا از سال ۱۹۹۰ به این سو ۳/۵ تریلیون دلار بوده است. به عبارت دیگر، طی این مدت آمریکا ۳/۵ تریلیون دلار بیش از ارزش صادراتش کالا و خدمات از کشورهای



ارزش دلار بیشتر باشد و زمان آن نیز طولانی تر شود فرآیند جایگزینی ارزهای دیگر به جای دلار تسریع خواهد شد. در غیر این صورت تولیدکنندگان نفت ترجیح خواهند داد که با سیستم فعلی به گونه‌ای کنار بیایند. علاوه بر آن چنانچه قرار باشد سیستم فعلی مبادله نفت در مقابل دلار تغییر کند، به سختی می‌توان تصور کرد که با رشد قدرت اقتصادی چین در آینده پول ملی این کشور در سیستم معاملات حضور نداشته باشد. اما برای این‌که کشورهای دیگر راضی شوند که ذخایر مالی خود را برای خرید نفت به «یوان» نگهداری کنند و یا آنرا در سبدهای مبادله نفت براساس آن انجام خواهد شد بپذیرند، باید این ارز همانند وضعیت فعلی دلار به سادگی قابل مبادله باشد. چین چنین وعده‌ای را داده است اما حرکت چین به کندی انجام می‌شود زیرا نمی‌خواهد اقتصاد داخلی اش دچار بی‌ثباتی گردد. برخی از تحلیلگران معتقدند فرآیند آزادسازی «یوان» پنج الی ده سال به درازا خواهد کشید. در این میان رفتار ژئوپلیتیک آمریکا نیز بایستی تغییر کند و با متحدان خود مانند عربستان، کویت و برخی دیگر از کشورهای عربی به این توافق برسند که بهای نفت خود را به ارزی به غیر از دلار دریافت کنند. البته به نظر نمی‌رسد آمریکا در شرایط فعلی با چنین تغییری به طور گسترده موافقت کند. شاید تکذیب برگزاری این مذاکرات سری از سوی مقامات رسمی در کشورهای عرب، ناشی از مخالفت آمریکا با جایگزینی ارزهای دیگر به جای دلار در معاملات نفتی باشد.

تا کنون سازمان اوپک از ورود به بحث جایگزینی ارزهای دیگر در معاملات نفتی پرهیز می‌کرد اما به نظر می‌رسد با توجه به شرایط جدیدی که به آن اشاره شد، فضای مناسب برای مطالعه و بررسی این جایگزینی فراهم آمده باشد. در این مطالعه می‌توان به امکانات، روش‌ها و آثار این جایگزینی پرداخت و با رویکرد علمی زمینه را برای این تغییر آماده کرد. بدون تردید تجربه ایران و ونزوئلا می‌تواند بسیاری از زوایای پوشیده این جایگزینی را آشکار سازد. تردیدی نیست که منافع ملی ما ایجاب می‌کند که هرچه سریع‌تر و گسترده‌تر این تحول صورت بگیرد. بدیهی است در شرایط فعلی افکار عمومی برای مطرح شدن این موضوع بیش از هر زمان دیگری آماده است. ■

منابع و مأخذ در دفتر نشریه موجود است.

می‌باشند فعالیت‌های نظامی خود را در پهنه جهان گسترش دهد. و لذا نقش دلار به عنوان ارز ذخیره جهان، دارای ارزش سیاسی و استراتژیک قابل توجهی است که فراتر از محاسبات صرفاً اقتصادی عمل می‌کند.

۱۳- نتیجه این که نقش دلار به عنوان ارز انحصاری مبادلات نفت و ارز ذخیره جهان یکی از ارکان سلطه اقتصادی و نظامی آمریکا است. نقش مسلط نفت خام‌های شاخص «وست تگزاس ایترمدیت» و «برنت» در بورس‌های نایمکس در آمریکا و ICE در انگلیس که قیمت‌گذاری آن‌ها با دلار انجام می‌شود، اجازه نمی‌دهد قیمت‌گذاری نفت براساس ارز دیگری انجام شود. قیمت این نفت خام‌ها در معاملات آتی، به صورت گسترده در فرمول‌های قیمت‌گذاری در کشورهای صادرکننده نفت به کار می‌رود. معاملات آتی این نفت‌خام‌ها از نقدینگی و استقبال بسیار بالای معامله‌گران برخوردار است و تاکنون نیز هیچکدام از بورس‌های معتبر بین‌المللی نتوانسته‌اند نقدینگی لازم را برای رقابت با این نفت‌خام‌های شاخص جذب کند. بنابراین به نظر نمی‌رسد که در کوتاه‌مدت چنین تغییری امکان‌پذیر باشد. بدون تردید برای جایگزینی ارز دیگری به جای دلار در قیمت‌گذاری نفت (که با جایگزینی ارزهای دیگر به جای دلار در مبادلات نفتی تفاوت دارد) باید از قیمت‌گذاری نفت‌خام‌های شاخص شروع کرد. از آنجایی که نفت‌خام‌های شاخص نامبرده نقش مسلط را در قیمت‌گذاری نفت در بازارهای بین‌المللی ایفا می‌کنند تغییر آن به تدوین مقررات جدید برای بورس‌های بین‌المللی و استقبال معامله‌گران و گذشت زمان احتیاج دارد. اما به هر حال بدون آن‌که درصد زمان‌بندی برای جایگزینی ارز و یا سبدهای ارز به جای دلار باشیم به نظر می‌رسد بتوانیم مراحل این تحول را پیش‌بینی کنیم. آنچه در ابتدا اتفاق خواهد افتاد جایگزینی ارز و یا سبدهای ارز به جای دلار در مبادلات نفتی خواهد بود که ابتدا در معاملات و مناطق محدود و در بین کشورهای معدود صورت خواهد گرفت و سپس گسترش خواهد یافت. پیش از این عراق، ایران و ونزوئلا به تجربیاتی در این زمینه دست یافته‌اند و احتمال این‌که سایر کشورهای تولیدکننده نفت نیز از این الگو تبعیت کنند دور از ذهن نیست. در مرحله بعد قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی به ارزی به غیر از دلار و یا به سبدهای ارزها انجام خواهد شد. در این میان هرچقدر بی‌ثباتی